

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

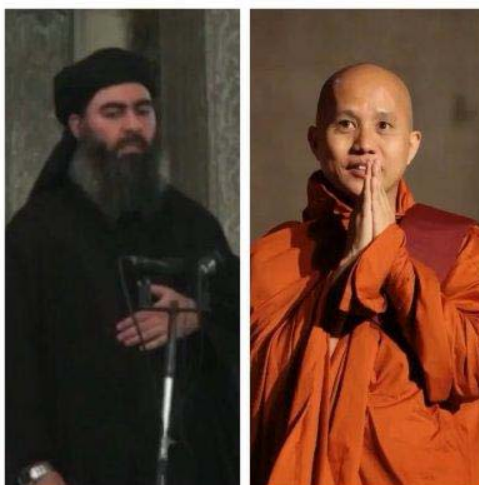
نویسنده: تی یری میسان- par Thierry Meyssan  
برگردان از: حمید محوی  
۱۱ اکتوبر ۲۰۱۷

## برخورد تمدنها

### Choc des civilisations 2

از ۱۶ سال پیش، بحث و جدل های بی شماری کارشناسان سیاسی بین المللی را برای تعیین اهداف استراتژی ایالات متحده امریکا به خود واداشته است. روشن است که ساده تر می توانیم پس از این دوران با قاطعیت از آغاز آن بگوئیم. با وجود این، خیلی به ندرت چنین کاری را انجام داده اند و همچنان به تدریس نظریاتی ادامه می دهند که واقعیات بی اعتباری آنها را اثبات کرده است. با اتکاء به نتایج این بحث و جدل ها، تی یری میسان مرحله بعدی و پیش بینی شده برای ارتش ایالات متحده امریکا بر اساس نظریه پردازانش در پیش از این دوران را یادآوری می کند، یعنی مرحله ای که می تواند در آینده به اجراء گذاشته شود.

شبکه ولتر/ دمشق (سوریه) ۸/ اکتوبر ۲۰۱۷



ابوبکر بغدادی و آشین ویتارتو

Abou Bakr al-Baghdadi & Ashin Wirathu

نیروهائی که برای طرح تخریب «خاورمیانه بزرگ» اندیشیده و در نظر گرفته شده اند، منطقه خاورمیانه را به مثابه آزمایشگاهی تلقی می کردند که استراتژی نوین باید در آن به آزمون گذاشته شود... اگر در سال ۲۰۰۱ این نیروها

شامل دولتهای ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و اسرائیل بود، قدرت سیاسی را در واشنگتن از دست داده اند و طرح اقتصادی و نظامی خود را در پیوند با شرکت های چند ملیتی خصوصی ادامه می دهند.

این نیروها ستراتیژی خودشان را از یک سو پیرامون بررسی های دریادار آرتور سبروسکی Arthur Cebrowski و معاونش توماس بارنت Thomas Barnett در پنتاگون، و از سوی دیگر برنارد لوئیس Bernard Lewis و معاونش ساموئل هانتینگتون Samuel Huntington در شورای امنیت ملی طراحی کرده اند (۱).

هدفشان این است که هم زمان تسلط خود را با تحولات فنی و اقتصادی معاصر تطبیق دهند و آن را به کشورهای سابقاً سوسیالیست گسترش دهند. در گذشته، واشنگتن اقتصاد جهانی را از طریق بازار جهانی انرژی و تحمیل دالر برای هر گونه قرارداد نفتی کنترل می کرد. و آنانی که می خواستند این قاعده را ندیده بگیرند به جنگ تهدید می شدند. ولی با گزینش جزئی گاز روسیه، ایران، قطر و به زودی سوریه به جای نفت این نظم نمی توانست ادامه یابد.

با پیوند مجدد با تاریخ تبهکاری نزد بخش بزرگی از مهاجران امریکائی، این نیروها در تخیلاتشان به این فکر افتادند که تسلط خود را بر کشورهای غنی با زور بگیرند. نه فقط برای دسترسی به منابع انرژی فسیل بلکه به طور کلی برای دسترسی به مواد اولیه، دولتهای با ثبات (به علاوه شوروی سابق) باید «حمایت» ارتش ایالات متحده آمریکا و به شکل جانبی ارتش بریتانیا و اسرائیل را درخواست کنند.

تحقق چنین طرحی مستلزم تقسیم جهان به دو بخش بود، جهانی سازی اقتصادهای با اعتبار و تخریب کل قابلیت های مقاومت بقیه جهان.

این جهان بینی خیلی با آنچه در امپراتوری بریتانیا و صهیونیسم رواج داشت تفاوت دارد. این تغییر وادی (پارادایم) نمی توانست تحقق یابد مگر با یک بسیج پی در پی با شوک روانی، با یک «پرل هاربر جدید». نامش ۱۱ سپتمبر است. اگر این طرح هذیان آمیز و اسفناک به نظر می رسید، ۱۶ سال بعد می توانیم ببینیم که در واقع در شرف تکوین است و به موانع پیشبینی ناپذیری برخورد کرده است.

جهانی سازی اقتصاد کشورهای با اعتبار تقریباً کاملاً تکوین یافته بود تا این که یکی از آنها، روسیه به شکل نظامی با تخریب قابلیت های مقاومت در سوریه و سپس با ضمیمه سازی اجباری اوکراین در اقتصاد جهانی نیز مخالفت کرد. در نتیجه واشنگتن و لندن به همپیمانان خود دستور دادند مسکو را تحریم اقتصادی کنند. با چنین حرکتی، روند جهانی سازی کشورهای معتبر را متوقف کردند.

چین با راه اندازی طرح «راه های ابریشم» به شکل قابل توجهی در کشورهایی که به تخریب محکوم شده بود سرمایه گذاری کرد. نیروهایی که «نقشه جدید جهان» را به سیلقه خودشان ترسیم می کنند در رویارویی با این وضعیت واکنش نشان دادند و یک دولت تروریست به وجود آوردند تا راه ابریشم قدیمی را قطع کنند که از عراق و سوریه عبور می کرد و اوکراین را نیز به صحنه جنگ تبدیل کردند تا راه دوم ابریشم را مسدود کند.

این نیروها در حال حاضر بر آن هستند که هرج و مرج را به منطقه دیگری در آسیای جنوب شرقی گسترش دهند. به گزارش کمیته ضد تروریست ملل متحد تخمین زده شده است که جهاد طلبان به آنجا مهاجرت کرده اند. با چنین حرکتی، این نیروها دوران ۱۶-۲۰۱۲ در خاورمیانه را خاتمه داده اند، بی هیچ پیشداوری درباره جنگ پیرامون کردها، تخریب آسیای جنوب شرقی را آماده می کنند. و این دومین مرحله از «برخورد تمدنها» خواهد بود، پس از مسلمانان علیه «یهودی-مسیحیان» (۲)، این بار مسلمانان علیه بودائی ها.

[1] Network Centric Warfare : Developing and Leveraging Information Superiority, David S. Alberts, John J. Garstka & Frederick P. Stein, CCRP, 1999. The Pentagon's New Map, Thomas P. M. Barnett, Putnam Publishing Group, 2004. « The Roots of Muslim Rage », Bernard Lewis, Atlantic Monthly, septembre 1990. « The Clash of Civilizations ? » & « The West Unique, Not Universal », Samuel Huntington, Foreign Affairs, 1993 & 1996 ; The Soldier and the State & The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order, Samuel Huntington, Harvard 1957 & Simon and Schuster 1996.

۲) اصلاح یهودی-مسیحی به طور مشخص تا سال ۹۰ به معنای گروه یهودیانی بود که پیرامون ژاک قدیس به مسیحیت گرویده بودند. این گروه پس از غارت اورشلیم توسط رومی ها منحل شد. با وجود این، مسیحیان غربی در سنتهای مذهبی خود همچنان برای کتاب عهد قدیم اهمیت بسیاری قائل هستند، بی آن که به تفاوت دیدگاه مسیحی و یهودی آگاه باشند. به عکس، مسیحیان شرق، به سنتهای پیشینیان خود وفادار باقی مانده اند و به ندرت به نوشته های یهودی مراجعه می کنند و در عیشای ربّانی از خواندن آنها امتناع می کنند.